

## اهداف نهضت عاشورا

سید غلامعباس طاهرزاده  
کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

### مقدمه

شور انگیزترین صفحات تاریخ، شرح حال رجال و پیشوایانی است که برای سعادت خانواده، جامعه و یا ملت خود قیام کرده و با وجود خطرات فراوان، جانفشانی‌ها کرده و حماسه آفریده‌اند و سعادت و آزادی را در کام مردم پس از خود شیرین ساخته و نام خود را در ردیف حماسه‌سازان و فداکاران تاریخ ثبت کرده‌اند.

تاریخ اسلام پر از حوادثی است که در گذر زمان اتفاق افتاده و بسیاری از آنها، به مرور زمان، کهنه و متروک گردیده و به فراموشی سپرده شده است، اما در این میان، واقعه کربلا و نهضت مقدس امام حسین (ع) است که، نه تنها به مرور زمان و گذشت دوران فراموش نگردیده و از صفحه تاریخ محو نشده، بلکه هر چه زمان بر او گذشته بر عظمت آن حادثه و اهمیت آن افزوده گشته است.

مسلمانان و پیروان مکتب اهل بیت (ع) در هر سال یاد و خاطره آن حماسه خونبار را با گریه و اشک بر مظلومیت آن امام شهید و یاران فداکارش با هیجان و شکوه بیشتر و بهتر از سال‌های قبل برگزار می‌کنند و هر چه از زمان آن قضیه می‌گذرد عظمتش بیشتر، جایگاهش رفیع‌تر و بر خواری و ذلت دشمنانش افزوده می‌شود و این همان معجزه حضرت سیدالشهدا (ع) و کرامت جاوید عاشورا است.

بی شک، تاریخ خونین کربلا یکی از وقایعی است که قلب هر مؤمن و هر انسان آزاده را جریحه‌دار می‌کند. و به گواه تاریخ می‌توان ادعا کرد که عاشورا پدیده‌ای نیست که فقط متعلق به تاریخ گذشته باشد، بلکه عاشورا و قیام خونین اباعبدالله و یارانش جریانی است که گذر زمان

زینب کبری در مجلس یزید خطاب به وی می‌فرماید:

ثم کد کیدک، واجهد جهدک فوالله الذی شرفنا بالوحی و الکتاب و النبوه و الانتخاب،  
لاتدرک امدنا و لا تبلغ غایتنا و لا تقهوا ذکرنا.

مکر و حیل‌ها را به کار ببر، آنچه تلاش و سعی داری به کار گیر، سوگند به خداوندی که ما را  
بواسطه وحی، قرآن و پیامبر (ص) شرافت داد! یاد ما را از دل‌ها نمی‌توانی محو کنی و وحی نازل  
شده بر پیامبر را نمی‌توانی از بین ببری.<sup>۱</sup>

سؤالی که مطرح است این‌که: راز ماندگاری نهضت عاشورا در چیست؟ و چگونه شهادت جمعی  
معدود، اینگونه با تأثیرگذاری و ایجاد تحول در عصر خود، از قالب زمان خارج شده و اکنون  
پس از چهارده قرن هنوز هم حقیقت جویان و دانش پژوهان را به شگفتی و تحیر واداشته است؟  
تا به حال از زوایای مختلف به این پرسش پاسخ داده شده است؛ که هر کدام به جای خود  
مهم و ارزشمند است. اما به اعتقاد نویسنده پاسخ را باید در انگیزه و اهداف الهی این انقلاب و  
حماسه خونبار جست‌وجو کرد.

به عبارت دیگر، هدفمندی و انجام وظیفه الهی مهمترین انگیزه امام حسین (ع) و یاران  
عاشورائی آن حضرت بود و این «راز بقای» حماسه کربلاست.

ارکانی که در زیر مورد توجه قرار گرفته، از مهم‌ترین اهداف عاشور است. آزاداندیشان و  
حقیقت جویان عالم، با عنایت به این انگیزه‌ها و عوامل، «پیروزی خون بر شمشیر» را باور  
خواهند کرد و حلقه ارادت و محبتشان، به شورآفرینان عاشورا، روز به روز افزون خواهد گشت.

## اهداف امام حسین (ع)

اهداف امام حسین (ع) را می‌توان اینگونه برشمرد:

۱. انجام وظیفه و ادای تکلیف؛
۲. عزت مداری و زندگی سعادت‌مندان؛
۳. تشکیل حکومت دینی؛
۴. احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر؛

## ۱. انجام وظیفه و ادای تکلیف

فرهنگ «عمل به تکلیف» زمانی که در یک جامعه حاکم باشد، احساس پیروزی همواره با آنهاست.

با داشتن چنین روحیه‌ای هر اتفاقی رخ دهد عین پیروزی است، در مبارزات هم چه کشته شوند و چه به پیروزی نظامی و سیاسی برسند، هر دو صورت برای آنان موفقیت است.

سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)، در شرایط مختلف اجتماعی بیانگر این حقیقت است که آنان طبق تکلیف عمل می‌کردند. حادثه عاشورا نیز یکی از جلوه‌های عمل به تکلیف بود. امام حسین (ع)، شخصیتی است که به مقام عبودیت و بندگی خدا رسیده است و افتخار خود را اطاعت از او می‌داند، پس جز انجام تکلیف و دستیابی به رضایت خداوند، به چیز دیگری نمی‌اندیشد و همه برنامه‌های زندگی‌اش را بر این اساس سامان می‌بخشد. هم‌اینک به ذکر چند نمونه از سخنان آن حضرت می‌پردازیم:

#### ۱-۱. خروج از مدینه

ام سلمه همسر پیامبر (ص) هنگام خروج امام حسین (ع) از مدینه خواهان ماندن امام (ع) در مدینه بود از این رو هنگام خداحافظی به آن حضرت فرمود:

لا تمزنی بمخروجک الی العراق، فانی سمعت جدک رسول الله (ص) یقول: یقتل ولدی الحسین بارض یقال لها کربلا.

مرا با خروج خود به سوی عراق، اندوهگین مساز، به راستی که از جدت رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: فرزندم حسین در زمینی که کربلا می‌گویند، کشته خواهد شد. امام (ع) در پاسخ او فرمود:

یا أمّاه و أنا أعلم أنّی مقتول مذبحاً ظلماً و عدواناً و قد شاء عزّوجلّ أن یرى حرمی ورهطی مشرّدین و اطفالی مذبحین مأسویّی مقیدین و هم یرستغیثون فلا یجدون ناصرأ. مادر! من هم می‌دانم که از روی ظلم و ستم کشته خواهم شد و فرزندانم اسیر و به غل و زنجیر کشیده خواهند شد و سرم از بدنم جدا می‌گردد من تسلیم امر خداوندم، پروردگار بزرگ چنین خواسته است که کودکانم کشته شوند و زنان و فرزندانم به اسارات دشمن درآیند و فریاد ناله‌های آنان ظنین‌انداز شود، ولی کسی به فریاد آنان نرسد.<sup>۲</sup>

#### ۲-۱. ملاقات با جابر بن عبدالله انصاری

امام حسین (ع) در ملاقات جابر بن عبدالله که از امام تقاضای ماندن در مدینه همچون امام حسن (ع) کرده بود فرمود:

آنچه را برادرم (امام حسن) انجام داد به فرمان خدا و پیامبر (ص) بود و آنچه راهم من انجام می‌دهم، به دستور خدا و پیامبر (ص) است و اگر بخواهی، بر این مطلب، پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و برادرم را هم شاهد می‌آورم.

«جابر» می‌گوید: «اینجا حضرت نگاهی به آسمان کرد و درهای آسمان باز شد و پیامبر(ص)، امام علی(ع)، و امام حسن(ع)، حمزه و جعفر را دیدم که به زمین فرود آمدند من ترسان و هراسان برخاستم پیامبر(ص) فرمود: آیا به تو نگفتم که مؤمن نیستی مگر آنکه تسلیم امر همه امامان شوی و اعتراض نکنی؟ آیا می‌خواهی جایگاه معاویه و یزید را ببینی؟ عرض کردم: آری یا رسول الله(ص)، آنگاه پایش را به زمین زد و زمین شکافته شد و دریایی پدیدار گشت آن نیز شکافته شد، باز زمینی آشکار گردید تا هفت زمین و دریا و زیر همه اینها آتش بود که ولید بن مغیره، و ابوجهل و معاویه طاغی و یزید را به یک زنجیر بسته بودند و شیاطین را هم به آنان ملحق کرده بودند.»<sup>۳</sup>

در تمام طول راه، در سخنان امام(ع)، تنها چیزی که نمود برجسته‌ای داشت، تکلیف الهی و عمل به وظیفه دینی و کسب رضای الهی بود

## ۲. عزت مداری و زندگی سعادت‌مندانه

یکی از مهمترین وظایف هر مسلمان این است که در برابر دین الهی و سرنوشت امت اسلامی، احساس مسؤولیت داشته باشد. و فقط به زندگی شخصی خود و وظایف فردی نیندیشد؛ بلکه در مقابل هر اقدامی که عزت و سعادت امت را به خطر می‌اندازد، واکنش مناسب از خود نشان دهد تا نااهلان زمینه نفوذ پیدانکنند و در فکر آسیب رساندن به امت اسلامی نباشند.

این خصلت مهم بر رهبری دلسوز و وظیفه شناس چون امام حسین(ع) واجب‌تر از دیگران است. امام حسین(ع) در جریان کربلا، با اقدام شجاعانه خویش، درس بزرگ آزاداندیشی و عزت‌طلبی را به دیگران آموخت و ویژگیهای زندگی سعادت‌مندانه را هم در سخنان خود در طول مسیر بیان کرد و هم در عمل نشان داد. و این پیام افتخارآمیز را در جهان به نام خود ثبت کرد که «زندگی به فرو رفتن و فرا آمدن نفس نیست. بسیاری از انسان‌ها مرده‌های متحرکی هستند که فقط خواص حیات حیوانی دارند».

در گیرودار مشکلات و فراز و نشیب‌های زندگی، گاهی صحنه‌هایی پیش می‌آید که انسان‌ها به خاطر رسیدن به منافع دنیا یا حفظ آن و با تأمین تمنیات و خواسته‌های ناچیز و مقام و مسؤولیت یا چند روز زندگی بیشتر، هرگونه حقارت و اسارت را می‌پذیرند. اما مردان الهی و آزاداندیشان جوانمرد، گاهی با ایثار جان هم، بهای «آزادگی» را می‌پردازند و تن به ذلت نمی‌دهند.

امام حسین(ع) فرمود:

## مَوْتُ فِي عِزِّ خَيْرٍ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلِّ

مرگ با عزت بهتر از حیات ذلیلانه است.<sup>۴</sup>

امام شهیدان سرافراز در مسیر کربلا، پس از برخورد با سپاه حُرّ، اشعاری را با مطلع ذیل زمزمه کرد:

سامضی و ما بالموت عار علی النقی  
اذا مائوی حقا و جاهدا مسلما  
در آخر آن نیز فرمود:

من از مرگ با کی ندارم. مرگ، راحت‌ترین راه برای رسیدن به عزت است. مرگ در راه عزت، زندگی جاودانه است و زندگانی ذلت‌بار، مرگ بی‌حیات است. مرا از مرگ می‌ترسانی؟ چه گمان باطلی! همتم بالاتر از این است که از ترس مرگ، ظلم را تحمل کنم. بیش از این نمی‌توانید که مرا بکشید. مرحبا به مرگ در راه خدا. ولی شما با کشتنم نمی‌توانید شکوه و عزت و شرف مرا از بین ببرید. چه هراسی از مرگ؟<sup>۵</sup>  
آن حضرت در خطابۀ پرشور دیگری در کربلا، خطاب به سپاه کوفه، در ردّ درخواست ابن زیاد، مبنی بر تسلیم شدن و بیعت با یزید فرمود:

الا وان الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین، بین السلة والذلة وهیهات منا الذلة، یابی الله لنا ذلک، ورسوله والمؤمنون، وحجور طابت وطهرت، وانوف حمیة ونفوس ایبة من ان نوثر طاعة اللثام علی مصارع الکرام.

ابن زیاد، مرا میان کشته شدن و ذلت مخیر قرار داده، هیهات که من جانب ذلت را بگیرم. این را خدا و رسول و دامن‌های پاک عترت و جان‌های غیرتمند و با عزت نمی‌پذیرند. هرگز اطاعت از فرومایگان را بر سعادت و شهادت کریمانه ترجیح نخواهیم داد.<sup>۶</sup>

### ۳. تشکیل حکومت اسلامی

حکومتی که از ملاک‌های ارزشی و معیارهای اصیل دینی فاصله بگیرد، «فساد» در پیکره آن ریشه می‌دواند و راه مبارزه با فساد و زدودن لغزشها و انحرافات از امت اسلامی، تذکر به متولیان و مسؤولان نسبت به رفتار عادلانه و اجرای دقیق قانون و عمل به کتاب و سنت الهی و حرکت اصلاحگرانه‌ای است که امام حسین (ع) از آن غافل نبودند و در حرکت و قیام خویش آن را دنبال می‌کردند. حضرت همیشه بر اوضاع نابسامان جامعه معترض بود و هرگز مهر سکوت بر لب نمی‌زد. همچنین از وظایف رهبران الهی، تشکیل حکومتی است که بر پایه آیین آسمانی، شکل گیرد و هدفش شکوفایی استعدادهای انسانی و بالندگی دین و ارزش‌های آن باشد.

امام حسین(ع) درباره شایستگی خود به این امر به سپاه حر می فرماید:

ای مردم! اگر شما از خدا بترسید و حق را برای اهلش بشناسید، این کار بهتر موجب خشنودی خداوند خواهد بود و ما اهل بیت پیامبر، به ولایت و رهبری، از این مدعیان نالایق و عاملان جور و تجاوز، شایسته تریم. و اگر شما به این کار (بیعت و همراهی با ما) کراهت دارید و نسبت به حق ما آگاه نیستید و بر آنچه برای ما نامه نوشتید پایدار نیستید، ما برمی گردیم.<sup>۷</sup>

امام حسین(ع) نیز پس از مرگ معاویه و استقبال مردم عراق از امامت و دولت آن حضرت، زمینه را برای تشکیل حکومت اسلامی، مساعد یافت. این حقیقت را برخی از سخنان سید الشهداء(ع) آشکار می سازد. آن حضرت در سخنی به این هدف اصلاحی اشاره کرده و خروج خویش را با انگیزه «طلب اصلاح در امت پیامبر» معرفی کرده و فرمود: «وَأَمَّا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى».<sup>۸</sup>

در جای دیگر نیز حرکت و قیام خود را نه بر اساس نزاع قدرت با مستبد پلیدی چون یزید یا دنیاطلبانی چون آل ابوسفیان می داند، بلکه برای آشکار ساختن «معارف دین» و «اظهار اصلاح» در شهرها و امنیت یافتن مظلومان و عمل به فرایض دینی و سنن و احکام الهی دانسته است: «... وَ لَكِنْ لِتُرِي الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ تَنْظِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ...».<sup>۹</sup>

ترغیبی که امام حسین(ع) در یکی از خطبه هایش جهت فداکاری و جانبازی دارد، همراه با ترسیمی از اوضاع اسفبار جامعه آن روز است که فرمود:

ألا ترون أن الحق لا يعمل به و أن الباطل لا يتناهى عنه، ليرغب المؤمن في لقاء الله محققاً، فإنني لا أرى الموت إلا سعادة و لا الحياة مع الظالمين إلا برماً.

آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل اجتناب نمی گردد؟ پس در چنین شرایطی باید مؤمن (با مبارزه اش) مشتاق دیدار خدا باشد، چرا که زندگی در چنین دوره ای مایه ننگ و عسرت است و مرگ، سعادت است.<sup>۱۰</sup>

قیام اصلاحی اباعبدالله الحسین(ع) ریشه در نهضت های اصلاحی انبیاء داشت و او وارث خط صلاح و اصلاح پیامبران بود و در این راه جان داد تا مفسد برچیده شود. حضرت امام خمینی(ره) در تائید این روش می فرماید:

تمام انبیاء برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام. و همه آنان این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه شود... سیدالشهداء(ع) روی همین میزان آمد و رفت و خودش را و اصحاب و انصار خویش را فدا کرد، که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود.<sup>۱۱</sup>

امام امت که قیام خویش را در همین راستا می دانست و با الهام از نهضت عاشورا، بر ضد شاهان طاغوتی و مفساد اجتماعی و نابسامانیهای اجتماعی قیام کرد، به پیوند این حرکت با قیام عاشورا چنین اشاره می کند:

سیدالشهدا(ع) وقتی می بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می کند، تصریح می کند حضرت که اگر کسی ببیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می کند، ظلم دارد به مردم می کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند، هر قدر که می تواند. با چند نفر، با چندین نفر که در مقابل آن لشکر هیچ نبود، لکن تکلیف بود آنجا که باید قیام بکند و خوش را بدهد تا این که این ملت را اصلاح کند. تا این که این علم یزید را بخواباند و هیمن طور هم کرد و تمام شد... همه چیزهای خودش را داد برای اسلام. مگر مرگ ما، خون ما رنگین تر از خون سیدالشهدا(ع) است؟ چرا برتسیم از این که خون بدهیم یا این که جان بدهیم؟<sup>۱۲</sup>

### پاسخ به تقاضای مردم کوفه

پس از مرگ معاویه مردم کوفه که از ستم امویان به تنگ آمده بودند، و از ورود امام حسین(ع) به مکه و مخالفت او با خلافت یزید و خودداری از بیعت با او خبردار شده بودند، نامه های گوناگونی برای آن حضرت نوشتند و آمادگی خودشان را برای پذیرفتن رهبری و امامت سیدالشهدا(ع) به روشنی بیان کردند و وعده پشتیبانی از دولت و حکومت دینی به رهبری امام حسین(ع) را اعلام کردند. وقتی نامه ها به دست امام(ع) رسید، در پاسخ آن ها چنین نگاشت.

به نام پروردگار بخشنده مهربان. از حسین بن علی به بزرگان و سرشناسان مومن و مسلمان، پس از حمد و ثنای الهی، آخرین نامه شما را توسط هانی و سعید دریافت کردم و به اهداف شما پی بردم درخواست شما در نامه ها یتان این بود که ما امام و رهبری نداریم، به سوی ما بشتاب تا خداوند ما را به وسیله تو به حق هدایت و رهنمون سازد. اکنون برادر دینی و پسر عمویم (مسلم بن عقیل) و مطمئن ترین فرد خاندانم را به سوی شما می فرستم و به او فرمان داده ام که از نزدیک با آراء و افکار شما آشنا شود و گزارش آن را به اطلاع من برساند. اگر خواسته توده مردم و آگاهان و بزرگان شما همان باشد که در نامه ها به من نوشته اید و بیک های شما به من گفته اند، من نیز اگر خدا بخواهد، به زودی به سوی شما حرکت می کنم. به خدا سوگند! پیشوا و حاکم بر حق فقط کسی است که به کتاب خدا و عدالت عمل کند، سر به حق سپرده و جانشر را وقف خدمت به دین الهی نماید والسلام.<sup>۱۳</sup>

امام خمینی (ره) در تأیید این مطلب می‌فرماید:

او (امام حسین (ع) مسلم (ابن عقیل) را فرستاده که مردم را دعوت کند به بیعت تا حکومت اسلامی تشکیل بدهد؛ این حکومت فاسد را از بین ببرد. اگر او هم سر جای خودش می‌نشست و در مدینه وقتی که مردک (یزید) می‌آمد می‌گفت که بیعت کن، می‌گفت بسیار خوب سلمه الله تعالی! نعوذ بالله اگر یک همچو چیزی می‌گفت، از خدا می‌خواستند؛ خیلی هم احترامش می‌کردند، دستش را هم می‌بوسیدند، روی سرشان هم می‌گذاشتند.<sup>۱۴</sup>

#### ۴. احیای امر به معروف و نهی از منکر

حیات هر جامعه به رشد معنویات و ارزشهای والای انسانی آن بستگی دارد، و در جامعه اسلامی، علاوه بر اینها، به حساسیت مردم نسبت به اجرای احکام دینی و نظارت عمومی بر شیوه اداره جامعه توسط متولیان حکومت و مسؤولان نیز بستگی دارد. به این مسئله مهم اجتماعی از بعد مکتب اسلام، «امر به معروف و نهی از منکر» گفته می‌شود که از واجبات دینی است و بر هر مسلمان تکلیف شده است.

آیات قرآن و روایات معصومین (ع) در اهمیت این دو فریضه و نقش اصلاحی آن در جامعه و نیز آفات و آسیب‌های مفسده‌آمیز ترک آن، بسیار سخن گفته‌اند و آن را به عنوان «برترین فریضه» به شمار آورده‌اند که فرایض و احکام الهی دیگر، در سایه امر به معروف و نهی از منکر، قوام و استواری می‌یابد.

در بررسی و تحلیل عوامل و انگیزه‌های قیام کربلا به منظور دستیابی به مهم‌ترین علت و انگیزه، به بنیادی‌ترین انگیزه و شاخص‌ترین آن یعنی «امر به معروف و نهی از منکر» برمی‌خوریم. امام حسین (ع) در وصیت نامه خویش، بر این عامل تام و انگیزه والا تاکید می‌ورزد و هدف اصلی خود را از مخالفت با دستگاه خلافت مبتذل یزید، امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با ظلم و جور و فساد و خیانت و بدعت‌ها و انحراف‌هایی که از همه سو، جامعه اسلامی را به محاصره درآورده و مردم را از راه روشن و صائب دین به بیراهه‌های فسق و گمراهی رهنمون می‌کردند، معرفی می‌نماید. امر به معروف و نهی از منکر علت العلل قیام مقدس کربلاست و این به دلیل جایگاه رفیع این عنصر در حرکت تاریخی امام حسین (ع) و نقش بنیادین آن در به ثمر نشستن آن جهاد مقدس است.

امام حسین (ع) به حسب جایگاه مسئولیتی و رهبری امت اسلام، در عصر خود از دانش بسیار بالایی در تشخیص انحراف و کج روی در حکومت و جامعه برخوردار بود. اگر به ابعاد (بیان)



امام در مسائل جامعه شناسی و حکومتی و روحیات مردم آن زمان توجه نمائیم، متوجه تیزی و ژرف نگری آن حضرت می شویم. ایشان می فرماید:

و انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظلما، و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی (ع) ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب. و من نه از روی خود خواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری، از مدینه خارج شد بلکه هدف من از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر و خواسته ام از این حرکت، اصلاح امور مسلمین و زنده کردن سنت و قانون جدم رسول خدا (ص) و راه و رسم پدرم علی ابن ابیطالب است.<sup>۱۵</sup>

آن حضرت هنگام وداع مرقد مطهر رسول خدا (ص) اینگونه اظهار می کند:

اللهم ان هذا قبر نبیک محمد (ص) وانا ابن بنت نبیک و قد حضر فی من الامر ما قد علمت؛ اللهم انی احب المعروف و انکر المنکر.

پروردگارا، این قبر فرستاده ات محمد مصطفی (ص) می باشد. و من پسر دختر پیامبرت هستم در این حرکت و قیام (استجابت دعوت کوفیان و مبارزه با ظلم) تو می دانی که من فریضه امر به معروف و نهی از منکر را دوست دارم.<sup>۱۶</sup>

### پی نوشتها:

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷.
۲. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۶.
۳. نفس المهموم، ص ۳۵، فصل ۳.
۴. مناقب، شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸.
۵. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۱.
۶. معالم المدرستین، علامه مرتضی عسکری، ج ۳، ص ۱۰۱.
۷. معالم المدرستین، سید مرتضی عسکری، ج ۳، ص ۷۱.
۸. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹.
۹. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۸۱.
۱۰. تحف العقول، ص ۲۴۵.
۱۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۴۸.
۱۲. همان، ج ۲، ص ۲۰۸.
۱۳. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۹.
۱۴. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۷۳.
۱۵. مقتل مرقم، ص ۱۳۹.
۱۶. بحار الأنوار، ج ۴۴.